

## از زندان تا ...



غلامرضا غلامحسینی

اولین بار هفتم اسفندماه ۸۴ حین کار کردن بازداشت شده و به زندان اوین منتقل شدم در آن تاریخ صدها نفر از کارگران شرکت واحد نیز مثل من بازداشت و به زندان منتقل شده بودند. اکثرا نیز عضو سندیکای کارگران شرکت واحد بودند که تمامی افراد بازداشت شده پس از مدتی از زندان آزاد شدیم به جز آقای منصور اسانلو که هم‌اکنون نیز در زندان به سر می‌برند و ما بازداشت‌شدگان تماما به اقدام علیه امنیت ملی متهم شده و تفهیم اتهام شدیم که اکثر قریب به اتفاق بازداشت‌شدگان در آن زمان از شعبه امنیت دادگاه انقلاب حکم منع تعقیب دریافت کرده و به سر کار خود مراجعه کردیم که با عدم پذیرش از سوی کارفرما مواجه شدیم لذا به ادارات کار استان تهران جهت ارائه دادخواست برای رسیدگی به مشکل پیش آمده که صرفاً یک مشکل کارگری و کارفرمایی بود مراجعه کردیم. در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۴ از هیات حل اختلاف اداره کار شمال غرب رای بازگشت به کار دریافت نمودم که پس از طی مراحل تشریفاتی به محل کار خود مراجعه کردم که اداره حقوقی شرکت واحد اعلام نمود که ما کاری برای شما نمی‌توانیم انجام بدهیم شما باید از طریق حراست اقدام نمایید بنابراین ما به اداره حراست مراجعه نموده که از سوی کارمندان آن اداره خواهان سپردن تعهدی از سوی ما به سازمان اتوبوسرانی به طرفیت اداره حراست شدند که متن آن تعهدنامه متنی است کاملاً غیرقانونی که در آن قید شده است که اگر بعد از این به هر دلیل قید شده غیرقانونی در این متن از کار بیکار شدم حق هیچ‌گونه اعتراض و شکایتی در این خصوص نمی‌توانم داشته باشم با توجه به غیرقانونی بودن این تعهد که سرنویس آن نیز تعهد حسن خدمت هیچ‌گونه آرم یا نوشته‌ای که بتوان فهمید این تعهد را کدام مقام مسوول از شما می‌خواهد چون که از ارائه برگه‌ای از تعهدنامه‌ای را به متعهد نمی‌دهند و من از امضای این تعهدنامه خودداری نمودم و اعلام کردم من به تمامی موارد قانون کار متعهد می‌شوم که برخلاف قانون کار کشور جمهوری اسلامی ایران عملی انجام نداده و هر حقوقی را که قانونگذار در چارچوب قانون کار برای عموم کارگران کشور در نظر گرفته است را نیز خواستارم که از پذیرش من خودداری نمودند و به ناچار رای صادره را در مجتمع قضایی شهید باهنر به اجرا گذاشتم در این زمان طی شده که قریب به یکسال و اندی شده بود از طریق هیات نظارت و حفظ حقوق شهروندی تهران به ریاست آقای سیدعلیرضا آوانی پیگیری‌هایی جهت استیفای حقوق حقه و قانون خود نیز نموده بودم که منجر به دستوری مبنی بر پرداخت ۵۰ درصد حقوق از سوی کارفرما با استناد به تبصره ماده ۱۸ قانون کار تا تعیین تکلیف نهایی به کارگران تعلیقی پرداخت

مثل دختر  
بچه‌هایی  
و شند ما

شود بنابراین دستور، به من و تعدادی از همکاران ماهیانه مبلغ ناچیزی معادل ۱۰۶ هزار تا ۱۱۲ هزار تومان پرداخت می شد که بعد از گذشت چند ماه این مبلغ نیز قطع گردید و ما که به اداره مرکزی شرکت واحد جهت پیگیری این موضوع مراجعه می کردیم جوابی قانع کننده دریافت نکرده و با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بودیم و هر زمان که خواهان دیدار آقای مهندس حسین بیژنی مدیرعامل محترم شرکت واحد می شدیم با عناوین مختلف جلوگیری می شد توسط ماموران حراست و بدون اطلاع آقای مدیرعامل تا اینکه من یکروز جهت انجام کاری در حال تردد در سطح تهران بودم که در میدان فردوسی آقای حسین بیژنی مدیرعامل شرکت واحد را به‌طور ناگهانی دیدم پس از معرفی خود با عنوان یک راننده سندیکایی معلق از کار مشکل به‌وجود آمده را با ایشان در میان گذاشتم که ایشان نیز بلافاصله با مسوول امور مالی شرکت واحد تماس تلفنی برقرار نمود و قرار ملاقاتی بین من و آن مسوول گذاشته شد که من فردای آن روز به اداره مرکزی شرکت واحد مراجعه نمایم تا مشکل پیش آمده با دستور تلفنی آقای بیژنی مدیرعامل محترم شرکت واحد حل شده و پرداخت ۵۰ درصد حقوق ما رانندگان تعلیقی مجدداً برقرار گردد چونکه باز هم طبق معمول خلاف قانون از سوی مسوولانی از اداره مرکزی انجام شده بود و در طول همان دیدار که من با آقای حسین بیژنی مدیرعامل شرکت واحد داشتم ایشان به من گفت هر زمان که مشکلی برای شما و دیگر همکارانتان به‌وجود آمد، چنانچه مرا در اداره مرکزی نتوانستید ملاقات کنید در هر کجای شهر تهران که می‌توانید مرا ببینید به دیدارم بیایید و مشکل خودتان را اعلام کنید من شما را نیز مثل سایر پرسنل شرکت واحد می‌دانم من هم که پس از به اجرا گذاشتن رای بازگشت به کارم و اعلام رای توسط ماموران کلانتری محل مربوط به قسمت‌هایی از اداره مرکزی شرکت واحد و نپذیرفتن آنان از سر کار رفتن من و با وجود مشکلات فراوان، اوقات بیکاری خودم را نزد بنایی به کارگری کار ساختمانی مشغول شدم که در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۴ به هنگام مراجعه به سرکار خود از سوی رانندگان شرکت واحد مطلع شدم که به مناسبت تولد حضرت فاطمه (س) و روز مادر و روز زن مراسمی در استادیوم ۱۲ هزار نفری آزادی برگزار خواهد شد لذا پس از اتمام کار روزانه خود و با توجه به آن دیداری که در میدان فردوسی با آقای بیژنی مدیرعامل شرکت واحد داشتم و خود ایشان گفته بود که در هر کجا که می‌توانید مرا ببینید و مشکل خود را اعلام کنید من نیز به جلوی استادیوم ۱۲ هزار نفری آزادی رفتم که شاید پس از اتمام مراسم در حین عزیمت آقای بیژنی از آن مکان بتوانم ایشان را ببینم و در جهت رفع مشکلات خود و دیگر همکاران سندیکایی صحبت نمایم که شاید به مناسبت روز مادر که همسران ما کارگران بیکار نیز مادر فرزندان هستند و به علت بیکاری غیرقانونی ما از فرزندان خود خجل نیز می‌باشند، گشایشی در امور ما بشود که آقایان رانندگان ما را از اطلاع از حضور من در خیابان جلوی درب

آقای نجف‌زادگان مامور پلیس امنیت پس از اطلاع از حضور من در خیابان جلوی درب استادیوم آزادی به من مراجعه نمود و از من خواست تا از محل دور شوم و به خانه خود بروم در غیر این صورت مرا بازداشت خواهند نمود من به ایشان متذکر شدم که ملاقات یک کارگر با مسوول خود هیچگونه منع قانونی ندارد و شما باید برای بازداشت من حکمی از سوی مقامات قضایی داشته باشید در غیر این صورت کار شما خلاف قانون است و من از دست شما شکایت خواهم کرد و با شما برخورد قانونی خواهم نمود که ایشان اعلام کردند من خودم قانون هستم و هیچ نیازی به دستور کسی ندارم و شما هم چنانچه از دست من شکایتی بنمایید هیچ کاری از دست هیچ کسی بر نمی آید و مرا با همکاری چند نفر مامور حراست شرکت واحد و با اعمال زور بازداشت نمودند و توسط یک ماشین کلانتری بدون تنظیم صورتجلسه‌ای و با ضبط تلفن همراه من توسط ماموران حراست مرا به پایگاه دوم پلیس امنیت منتقل نمودند که در آنجا هم با من برخلاف قانون رفتار خیلی بدی داشتند با کتک زدن و فحاشی و هتاک‌های صورتجلسه‌ای نیز علیه من تنظیم کردند و مرا روز بعد به شعبه امنیت دادگاه انقلاب خیابان معلم منتقل کردند که از سوی شعبه دوم امنیت به زندان اوین فرستاده شدم که پس از سپری کردن مدت ۸۵ روز در اندرزگاه ۲۴۰ زندان اوین بدون داشتن هیچگونه تماس تلفنی یا حتی ملاقات با اعضای خانواده خود که سه فرزند خردسال و همسرم با توجه به اینکه زمان اجاره مسکن ما هم در طول این مدت به پایان رسیده بود، خیلی مشکلات عدیده برای خانواده‌ام پیش آمده بود تا اینکه سرانجام با تودیع وثیقه یکصد میلیون تومانی که فراهم نمودن آن نیز برای خانواده‌ام خیلی دشوار بود در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲۶ از زندان اوین آزاد شده‌ام و هم‌اکنون نیز به دنبال استیفای حقوق حقه و قانونی خود از طریق مراجع ذیصلاح هستم.

\* عضو سندیکای کارگران شرکت واحد که هفته گذشته پس از سپری کردن سه ماه در زندان آزاد شد.

در نامه‌ای  
عجان شرقی  
صورت ادغام  
اعی، حداقل  
می‌کنند، در  
بازمان تامین  
سازمان تعلق  
مطرح شدن  
قابل قبول  
ردن اندوخته  
هی‌های چند  
سید» هشدار  
ادغام سازمان  
رگران شکل  
مشخص و  
دولت محسوب  
ولتی، به دولت